

بررسی تغییرات سبک زندگی روستای روزی با تاکید بر آراء بورديو

داود عليپور^۱، وحيد وليزاده زرنقي^۲

^۱كارشناس ارشد جامعه شناسي دانشگاه پيام نور تهران غرب(نويسنده مسئول)

^۲كارشناس ارشد جامعه شناسي دانشگاه آزاد تبريز

چکیده

در دهه‌های گذشته زندگی روستایی تغییرات متعددی را از سر گذرانده است چه نمود و ماحصل نهایی این تغییرات را می‌توان در سبک زندگی روستایی مشاهده نمود و با مطالعه آن به بررسی روند تغییرات زندگی روستایی پرداخت بر همین مبنا مقاله حاضر تغییرات رویداد در سبک زندگی روستایی در روستای روزی را طی سه نسل مورد بررسی قرار داده است در مبانی نظری از دیدگاه‌های گیدنز، بورديو و اینگلهارت استفاده شده است و فضای مفهومی سبک زندگی ترسیم گردیده است این یک تحقیق میدانی است و در آن از تکنیک‌های متعددی از قبیل مشاهده و مصاحبه برای جمع‌آوری یافته‌ها استفاده شده است نتایج تحقیق نشان می‌دهد چه سبک زندگی نسل اول در عرصه‌های مختلفی چون پوشاک و گذران اوقات فراغت تغییر مهمی نداشته و همچنان از الگوهای سنتی پیروی می‌کند اما سبک زندگی نسل دوم و به ویژه نسل سوم شاهد تغییرات اساسی بوده است به نحوی که در میان نسل سوم تمایل به سبک زندگی مصرفی به گونه‌ای که در شهرها رواج دارد و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی و رسانه‌ای به میزان زیادی دیده می‌شود به نظر می‌رسد که عامل عمده در این تغییرات افزایش سطح سواد و گسترش رسانه‌های جمعی باشد که نتیجه متفاوتی از اجتماعی شدن را برای نسل سوم رقم زده است و موجب بروز تغییراتی در عادت‌واره‌ها و عملکردهای آنها شده است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، روستای روزی، بورديو

مقدمه

زندگی روستایی آرام و آهسته پیش می رود زندگی روستا هنوز هم کاری از سر و صداست و فرسوده شدن از سختیها و هیاهوی زندگی شهرنشینی را ای به همیشگی آن در روستا چه شادی و غم ها تقسیم می شوند آدمهای روستا به هم نزدیک ترند و آنجاست که همسایه از حال همسایه خبر دارد

هرچند در گذشته پوشش اهالی روستا با فرهنگ سنتی روستاییان پیوند داشت و با شهرنشینی آن کاملاً متفاوت اما حالا یکی از تغییرات روستاها نسبت به گذشته تغییر در پوشش اهالی روستا است که چندان تفاوتی با پوشش شهرنشینی آن ندارد خیلی از روستاها روستاییان دیگر همچون گذشته لباس سنتی تن نمی کنند و حالا پوشش جوان روستایی هرگز چندان با جوامع شهری ندارد.

شکل فعالیت ها نیز در روستاها تغییر اساسی کرده است هرچند در خیلی روستاها هنوز هم کار روستایی کشاورزی و دامپروری است اما دختر روستایی که تا همین چند سال پیش پشت دار قالی می نشست و با دستان هنرمند اش بر تار و پود آن نقش می زد انگار همچون دختر شهرنشین به دنبال مهارت های تازه تری است زمانه که تغییر کرد و همه چیز رو به جلو رفت شکل خانه های روستایی نیز تغییر یافت و کم کم با مصالح و مواد ساختمانی مدرن ساخته شد خانه های روستایی که زمانی نشان از سنت های روستاییان و سبک زندگی آنان داشت حالا انگار نه شبیه خانه روستایی مانند گذشته هاست و نه کاملاً شبیه خانه های مدرن شهری.

دکتر محمدباقر علیزاده اقدم، جامعه شناس و استاد دانشگاه تبریز میگوید: «ورود تکنولوژی شهری به جوامع روستایی، تغییرات زیادی در این جوامع ایجاد کرد. به عنوان مثال زمانی که ابزاری نظیر تراکتور وارد زندگی روستایی شد نیاز به عریض شدن جاده ها و تغییر شکل درها و بناها همچون اضافه شدن انبار به ساختمان ها و در نتیجه تغییر شکل خانه ها شد.» این جامعه شناس میافزاید: «در گذشته میان ناحیه ای که روستا در آنجا قرار داشت و معماری سنتی نوعی رابطه خاص وجود داشت. به عنوان نمونه در مناطق کویری اغلب خانه ها از گل و خاک ساخته میشد. اما اکنون تا حدودی سبک معماری شهری در خانه سازی و زندگی روستاها که در گذشته معماری خاص خود را داشت، نفوذ و آن را متحول کرده است.» زمان میگذرد و با پیشرفت علم و پیدایش تکنولوژی، زندگی روستایی نیز رنگ و بوی دیگری مییابد. سبک زندگی در روستا حالا مثل بسیاری از جنبه های زندگی آدمهای امروزی تغییر کرده و حالا به چشم روستا، شهر نمادی برای امروزی شدن است.

بسیاری از عناصر زندگی شهری در زندگی روستایی راه یافته است. حالا دیگر زن روستایی تقریباً از همان ابزاری استفاده میکند که زن شهرنشین در خانه اش دارد. حالا در خانه زن روستایی جای جارو دستی را جارو برقی، جای پستی را مبلمان و شاید جای سفره روی زمین را میز ناهارخوری البته نه در شکلی کاملاً مدرن پرکرده است. دیگر بوی نان محلی در کوچه پس کوچه های روستا به مشام نمیرسد و انگار نانهای ماشینی، سفره های خانه های روستایی را رونق میدهد. در کنار همه این تغییرات اضافه شدن برق، گاز، تلفن، مدرسه و بیمارستان همگی اجزایی از عناصر زندگی شهری است که زندگی روستایی را متحول و آن را به زندگی شهری نزدیکتر کرد.

در واقع، دلایلی چون عدم وجود راه های ارتباطی و پراکندگی جامعه روستایی و عشایری، فقدان وسایل ارتباط جمعی و بی سوادى یا کم سوادى اکثریت عمده روستائیان و عشایر، از مهم ترین عواملی بوده اند که موجب کندی روند تغییرات در جامعه عشایری می شده اند. اما در دهه های اخیر، در اثر رفع موانع فوق، گستره و روند تغییرات در جامعه ی روستایی شدت یافته و در نتیجه شاهد وقوع تحولاتی اساسی در شیوه زندگی و آداب و رسوم روستائیان هستیم. پژوهش های صورت گرفته در این زمینه حاکی از آنند که تغییراتی مهم در آداب و رسوم، عقاید، ارزش ها، ایده آل ها، هنجارها، هنجارپذیری و هنجارسازی روستائیان پدید آمده است؛ الگوی مصرف در عرصه های مختلف از جمله وسایل خانگی، تزئینات منزل، خوراک، پوشاک و ... تغییر یافته است و این تغییرات از چنان شدت و گسترده ای برخوردار بوده اند که برخی از پژوهشگران برای توصیف آنها از مفاهیمی چون «روستائیان شهری» و «دهکده های شهری» استفاده می کنند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۷۱). در دهه های گذشته، یکی از عواملی که منجر به وقوع تحولات در سبک زندگی روستایی شده است، مهاجرت های روستائیان به شهرها بوده است (خسروی، ۱۳۸۰: ۸۸). مهاجران روستایی، حتی پس از مدت های مدید زندگی در شهر، همچنان پیوندهای اجتماعی و عاطفی خود را با خویشاوندان و زادگاه خود حفظ می نمودند و به بهانه های مختلف به یار و دیار سرکشی می نمودند. در جریان این رفت و آمدها، پاره ای از عناصر زندگی شهری به روستاها و عشایر منتقل می شد و به مرور تغییراتی در شیوه زندگی به وقوع می پیوست. اما امروزه در اثر شتاب بی سابقه تحولات اجتماعی، گسرتش فرآیند جهانی شدن و نفوذ فزاینده و فراگیر رسانه های جمعی، و به تعبیر گیدنز غلبه بر محدوده های زمانی و مکانی (گیدنز، ۱۳۳۴)، حتی بدون چنین رفت و آمدهایی نیز تغییرات فرهنگی و اجتماعی تمامی عرصه های زندگی عشایری و روستایی را درنور دیده است. امروزه روستائیان و عشایر، حتی بدون رفت و آمد به شهر نیز، تنها در منزل خود و با دیدن مظاهر زندگی شهری و جهانی در رسانه های جمعی در معرض تغییر قرار گرفته و این تغییر تمامی عرصه های زندگی آنها، از پوشاک تا خلیقات و نفسانیات، را در بر می گیرد.

دغدغه ی اصلی مقاله حاضر شناسایی همین تغییرات بوده و در این راستا این پرسش ها را مطرح کرده است که: چه جنبه هایی از زندگی روستائیان تغییر کرده است؟ این تغییرات چگونه و چرا رخ داده اند؟ آهنگ تغییر چگونه بود است؟ و مسیر احتمالی آنها کدام است؟ آنچه که بیش از همه ضرورت پژوهش حاضر را آشکار می سازد، کمبود مطالعات دست اول در این زمینه است. عمده تحقیقاتی که در جامعه شناسی روستایی ایران صورت گرفته اند، بر ابعاد اقتصادی (مسائل کشاورزی، اصلاحات ارضی، نظام های بهره برداری و ...) و یا ابعاد سیاسی (ساختار قریبندی، روابط ارباب و رعیت و ..) متمرکز بوده اند. هرچند در این عرصه نیز، به اعتقاد برخی از پژوهشگران، توفیق چندانی به دست نیامده و مطالعات موجود در تحلیل ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی و عشایری ایران موفق نبوده اند (ازکیا، ۱۳۶۵: ۷۲). اما در عرصه مردم شناسی نیز مطالعات موجود اغلب به جمع آوری ساده مواد فولکلور و توصیف آداب و رسوم جامعه عشایری بسنده نموده و کمتر به سمت ارائه تحلیل های روشمند از شیوه زندگی روستایی و عشایری و بررسی روند تحولات آن تمایل داشته اند. از اینرو، انجام پژوهش های دست اول میدانی به منظور شناسایی کم و کیف تغییرات سبک زندگی روستایی و بررسی روند تحول آنها ضرورت تام می یابد.

پیشینه پژوهش:

پژوهش های صورت گرفته در عرصه مردم شناسی و جامعه شناسی روستایی ایران، بسیار متعدد و متنوع بوده و دامنه آنها از مونوگرافی های اولیه تا ماهیت مسائل سیاسی و تاثیرات تکنولوژی را در بر می گیرد. در مجموع، این پژوهش ها را می توان در

چند دسته جای داد: گروه اول، پژوهش‌هایی هستند که در قالب مونوگرافی انجام شده و به توصیف عناصر و پدیده‌های گوناگون زندگی روستایی و عشایری پرداخته‌اند. در این دسته از پژوهش‌ها، مسائل متنوعی مورد بررسی و توصیف قرار گرفته‌اند؛ از جمله: تقسیم کار اجتماعی، مهاجرت، اعیاد، سوگواری‌ها، اوقات فراغت و عوامل موثر بر تغذیه (عسگری خانقاه، ۱۳۸۰)، جشن عروسی و اشعار مورد استفاده در آن (پیشدادفر، ۱۳۸۱)، افسانه‌ها، باورها، گویش‌ها و ترانه‌های روستا (جهانگیری، ۱۳۷۵)، مذهب، مراسم نخل برداری، محله‌ها، مراسم عروسی، دعای نزول باران، لباس، خرافات و قالیبافی (زرگری، ۱۳۸۸)، ویژگی‌های اجتماعی، اقلیمی، مشارکت و دخالت مردم در امور روستا بویژه تعاونی‌های آبخیزداری (احمدش، ۱۳۹۰).

گروه دوم، پژوهش‌هایی هستند که هرچند در قالب مونوگرافی صورت گرفته‌اند، اما اهداف بنیادی‌تر و گسترده‌تری را دنبال می‌کنند. هدف اصلی این گروه از پژوهش‌ها، شناخت و توصیف دقیق عناصر و مولفه‌های بنیادین زندگی روستایی و عشایری به منظور بازسازی سنت است. این پژوهش‌ها با تک‌نگاری‌های جلال آل احمد (۱۳۲۶) آغاز شده‌اند که در آنها مسائل مختلف مذهبی، خوراک پوشاک، آداب و رسوم، تشکیلات اجتماعی و ... با کمک عکس و نقشه و ... توصیف شده‌اند. هدف آل احمد نشان دادن تکاپوی زندگی روزمره روستائیان بود، چرا که روستاها را هسته اصلی تشکیلات اجتماعی و زمینه اصلی قضاوت درباره فرهنگ و تمدن کشور می‌دانست. تحقیقات فرهادی (۱۳۶۹، ... ۴۱۳) که در آنها جنبه‌های گوناگون زندگی روستایی و عشایری از قبیل آداب و رسوم کشاورزی و دامپروری، آئین‌ها و باورهای مختلف و بویژه اشکال بنیادین مشارکت و همیاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نیز از مهم‌ترین پژوهش‌های گروه دوم به شمار می‌روند.

گروه سوم را پژوهش‌هایی تشکیل می‌دهند که در آنها تاثیر ورود و تغییرات تکنولوژی بر معیشت و تحولات آن مورد بررسی قرار گرفته است. از کیا، کرمانی و بهروان (۱۳۸۷)، به بررسی مقوله استقرار صنعت در مناطق روستایی به عنوان یکی از شیوه‌ای رایج بسط اقتصاد غیرزراعی در روستاها و تغییرات اقتصادی- اجتماعی در شیوه زندگی روستائیان بواسطه این امر پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، کمبود در برخی عوامل اصلی تولید کشاورزی همچون منابع آب و خاک در عین فراوانی عامل نیروی کار در مناطق مورد بررسی علاوه بر ایجاد فشار روزافزون بر زمین‌های زراعی موجب مهاجرت گسترده‌ی روستائیان و به تبع آن درگیر ساختن دیگر مناطق با مشکلات ناشی از این مهاجرت‌ها شده است. (رفیع فر و قربانی، ۱۳۸۶) به بررسی تغییرات معیشتی کوچندگان بختیاری پرداخته و بر این نظرند که تحول از کوچندگی به یکجانشینی در زاگرس به عنوان راهبردی انطباقی به شرایط نوپدید زیست محیطی (که خود متأثر از تغییرات تکنولوژیکی است) و نیز به دلیل محدودیت و پراکنش منابع و تغییر در زیرساخت معیشت و مکانیزم‌های آن مطرح شده است. (حسنی سوق ۱۳۸۰) نیز تاثیر تکنولوژی‌های جدید در عرصه‌های مختلف فرهنگی از قبیل خوراک، مسکن، نظام خویشاوندی و نحوه ازدواج را مورد بررسی قرار داده است.

گروه چهارم، پژوهش‌هایی هستند که توجه آنها بر مسائل سیاسی به معنای عام کلمه متمرکز بوده و مسائلی چون روابط ارباب و رعیت، نظام قشربندی و سلسله مراتب اجتماعی و مناسبات روستائیان و عشایر با نهادهای سیاسی و قدرت مرکزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها بویژه بعد از اصلاحات ارضی مورد توجه بوده‌اند، اما امروزه نیز در این خصوص تحقیقاتی صورت می‌پذیرد؛ به عنوان مثال نودری (۱۳۰۰۰۰) به تحلیل ماهیت امر سیاسی و اثرات و پیامدهای آن در زندگی روزمره روستائیان پرداخته و نشان می‌دهد که امر سیاسی بنیادی‌ترین تفکیک و متايز را بر مبنای دوست و دشمن در میان روستائیان قرار داده و تعیین کننده نوع و ماهیت امر اجتماعی است. در واقع، در این دست پژوهش‌ها، مناسبات اجتماعی و فرهنگی از منظر امر سیاسی نگریسته می‌شوند.

شایان ذکر هست که هیچ گونه تحقیقی درباره تغییرات سبک زندگی روستای روزی تا بحال انجام نشده است.

مبانی نظری:

تا پیش از جنگ جهانی دوم، مفهوم سبک زندگی اهمیت چندانی نداشت و احوال با این نام از آن یاد نمی شد. پس از جنگ جهانی دوم، با گسترش پایه های اجتماعی دولت رفاه و بوجود آمدن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، بویژه کالاهای فرهنگی، شیوه های زندگی متنوعی پدید آمد. در این دوره، شواهد موجود نشان می داد که دیگر افراد بر مبنای جایگاه خود در نظام تولید نمی اندیشند و رفتار نمی کنند. در نتیجه مفهوم سبک زندگی در معنی جدید آن مطرح شد تا از طریق آن بتوان شالوده تشابهات و تمایزات اجتماعی را بررسی نمود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۲).

پس از آن، اولین بار در سال ۱۹۶۴ فردی به نام ویلیام لیزر مفهوم سبک زندگی را برای تحقیقات بازاریابی و مصرف و بر اساس الگوی خرید کالا معرفی کرد. بر طبق نظر لیزر، سبک زندگی متاثر از شیوه مشخص زندگی است که بوسیله گروهی از افراد به کار می رود. به نظر وی، سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی است، شیوه ای که بدان طریق کالاهای خرید شده مصرف می شوند (اندرسون و گودن، ۱۹۸۴).

وبر برای اولین بار از اصطلاح سبک زندگی استفاده کرده و آنرا ابزار مفهومی مهمی در مدل چند بعدی قشربندی اجتماعی قلمداد می کرد. در اینجا وبر، در تقابل با مدل تعیین اقتصادی مارکس، بر این باور است که جامعه فقط به لحاظ اقتصادی قشربندی نمی شود. بلکه بر اساس منزلت و راه و رسم آشکار شدن منزلت در سبک های زندگی گروههای اجتماعی مختلف نیز قشربندی می شود. از اینرو حوزه فرهنگی جامعه را باید هم به منزله محصول عوامل اقتصادی و هم به عنوان فرایندهایی درک کرد که کنشگران اجتماعی برای متمایز ساختن خویشان به عنوان کسانی که به گروه منزلتی خاصی تعلق دارند، در پیش می گیرند. این فرایندها - به زعم وبر - مستلزم کاربست خلاقانه ی کالاها و خدمات معینی است که صنایع مصرفی در دسترس افراد قرار می دهند. بنابراین، از دید وبر - و در تقابل با مارکس - مفاهیم منزلت و تعلق فراتر از مسائل صرف طبقاتی می روند و مسائل مربوط به برابری و سلیقه و تجسم بصری آن در مد و ترجیحات فراغتی را نیز شامل می شود (بنت، ۱۳۸۶: ۹۸).

اندکی قبل از وبر، ویلن به مسئله مصرف به عنوان اصلی ترین استراتژی سبک زندگی پرداخته بود. ویلن «بیش از آنکه در پی بررسی منطق سودگرایانه مصرف باشد، در صدد نشان دادن منطق احترام آمیز (honorific) آن است (کالرک، ۲۰۰۳: ۴۸).

در دیدگاه بوردیو، ذائقه یا سلیقه (taste) یکی از اصول مولد سبک زندگی و مصرف است. بوردیو که به تأسی از وبر مجموعه مناسبات اجتماعی را روابطی معنایی می داند که حاوی بعدی منادین اند (توسلی، ۱۳۸۳: ۴) بر این باور است که نیروی محرکه ی زندگی اجتماعی تعقیب متاثر است. از دید وی، خاستگاه غایی رفتار، عطش فرد برای کسب ارزش و شان است و برای سیراب نمودن این عطش به قضاوت و داوری دیگران تن در می دهد (واکووانت، ۱۳۸۲: ۳۳۰ و کلپون، ۱۹۹۳: ۷۰).

بر این مبنا، بوردیو با جرح و تعدیل مدل وبر و وضع مفاهیم جدید، در صدد مفهوم پردازی و نشان دادن ارتباط میان طبقه و منزلت بر می آید (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۱۰) و مفاهیم سه گانه منش / عادتواره (habitus)، میدان (field) و سرمایه (capital) را وضع می کند.

بوردیو عادتواره را «نظامی از تمایلات بادوام و قابل انتقال که به عنوان مولد اعمال ساخت یافته و به شکل عینی مجسم شده، عمل می کند (بوردیو به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۹) تعریف می نماید. عادتواره میان افرادی که تجارب مشابهی داشته اند، به صورت یک قالب مشترک در می آید. اما با وجود این «هر فرد گونه ی منحصر به فردی از آن قالب مشترک را در اختیار داشته و طبق آن عمل می کند (واکووانت، ۱۳۸۳: ۳۳۴). به عبارتی «منش ها علاوه بر اینکه متمایز و تمایز یافته اند، عامل تمایز هم هستند» (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۵). منش افراد وابسته به میزان سرمایه ای است که آنها در اختیار دارند، اما قبل از پرداختن به سرمایه، توضیح مفهوم میدان ضروری تر به نظر می رسد.

بوردیو جامعه را به عنوان فضای اجتماعی بازنمایی می کند. این فضای اجتماعی عرصه رقابتی شدید و بی پایان است. این رقابت به ظهور تفاوت هایی می انجامد که ماده و چارچوب لازم را برای هستی اجتماعی تدارک می بینند. در درون این فضای اجتماعی، مدل های کوچک متمایزی از قاعده ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارند. بوردیو این مدل ها را میدان می نامد. بنابراین میدان گستره ای از نوع خاصی از عامل و فضای روابط میان کنشگران است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). جامعه - به منزله فضای اجتماعی - از کثیری میدان های واجد اتصالات در هم پیچیده تشکیل شده است که ممکن است با هم تقاطع و همپوشانی و تداخل داشته باشند یا اثرات همدیگر را تقویت کنند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

سرمایه بر حسب شیوه های مختلف انباشت آن و عرصه ای که در آن عمل می کند به سه شکل اساسی (سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) ظاهر می شود (بوردیو، ۱۳۸۴: ۳۳۶، توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۷ و کلهون، ۱۹۹۳: ۶۱). روش بوردیو، توجه کردن به زندگی روزمره است اما نه به شیوه ای که اتنومتدولوژیست ها و پدیدارشناسان انجام می دهند، بلکه توجه کردن به شرایط مادی و اصل ناآگاهی «اجتماعی بر ساخته شدن ادراکات و تجربه های فردی. و در این میان پدیده اجتماعی را باید نه در آگاهی و هوشیاری افراد، بلکه در نظام روابط عینی ای که در آن قرار گرفته اند جستجو کرد نظریه بوردیو از لحاظ ابداع انواع مفاهیم برجستگی خاصی دارد. بوردیو با تلفیقی که از نظریات انجام داد شبکه ای از مفاهیم اصیل را به کار می برد. این مفاهیم شامل سرمایه، زمینه، ذوق و عملکرد می باشد. بوردیو معتقد است تمایز دوران مدرنیته منجر به شکل گری میدان های گوناگون شده و عمل کنش گر در هر میدان، بنا به جایگاه فرد در میدان، سرمایه، تجربیات شخصی در جریان جامعه پذیری، دوره زمان و قدرت میدان در آن دوره شکل می گیرد. اگر چه در اکثر مواقع برای توضیح ذوق کنش گر ویژگی های میدان تعیین کننده هستند اما در صورتی که ویژگی های میدان تغییری نکرده باشد باید برای درک دگرگونی فرد به ذوق وی رجوع کرد دگرگونی نه ناشی از تغییر ساختار مسلط بلکه ناشی از تغییری ذوق فرد است.

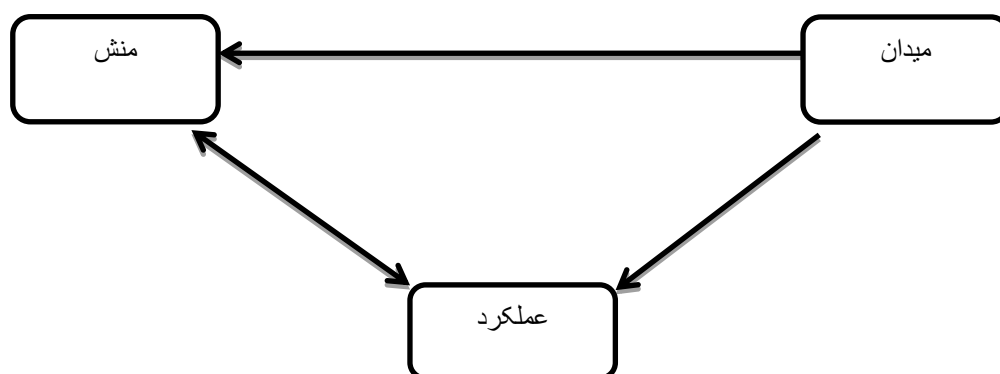
میدان های اجتماعی و کنشگران آن ها کاملاً معطوف به خود عمل می کنند یعنی براساس تلاش برای بهتر کردن جایگاه خود در آن میدان (سپهوند، ۱۳۸۳) بوردیو کنش به عنوان مسئله اجتماعی را با توجه به دیالکتیک ذوق و میدان شرح می دهد. کنش افراد به عنوان دیالکتیک میان ذوق و میدان بر اساس تلاش برای رسیدن به مرکز میدان بالاترین موقعیت اجتماعی تعریف شده انجام می شود. درک این مسئله مستلزم شناخت جغرافیای میدان است. از نظر بوردیو، این عملکرد است که ذوق

و زمینه را به هم پیوند می دهد از یک سو، از طریق عملکرد، ذوق ساخته می شود و از سوی دیگر، در نتیجه عملکرد است که زمینه

آفریده می شود. در حالی که عملکرد گرایش به شکل بخشیدن ذوق دارد، ذوق نیز در جهت این عمل می کند که عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت بخشد (ریتزر، ۱۳۷۴)

مدل بوردیو را می توان بدین صورت تلخیص نمود که: جایگاه افراد در درون میدان های مختلف، نحوه و میزان دسترسی آنها به انواع سرمایه ها را تعیین می کند. میزان سرمایه هایی که افراد به آن دسترسی دارند و نحوه ترکیب انواع مختلف سرمایه ها، عادتواره های افراد را شکل می دهند و عادتواره ها نیز الگوهای رفتاری اشخاص در عرصه های مختلف سبک زندگی را جهت دهی می کنند.

بوردیو بر رابطه دیالکتیکی میان زمینه و منش تاکید دارد و برای اجتناب از تعارض عینیت گرایانه و ذهنیت گرایانه بر عملکرد تاکید میکند که به نظراو پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت هست (ریتزر، ۱۳۷۴)



* به اعتقاد بوردیو از طریق عملکرد افراد در زمینه، منش با زمینه ارتباط پیدا می کند.

عملکرد واسطه منش با زمینه است. منش از طریق عملکرد ساخته می شود و زمینه در نتیجه عملکرد آفریده می شود. در حالیکه عملکرد به شکل بخشیدن منش گرایش دارد، منش نیز عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت می بخشد (ریتزر، ۱۳۷۴) منش اصولی را فراهم می سازد که آدم ها بر پایه آن ها گزینش می کنند. منش در بیشتر فعالیت های عملی مان، مانند شیوه خوردن، راه رفتن، صحبت کردن، خود را نشان می دهد.

بر اساس مطالعه، مدل دیاگرام حاضر بدین صورت رسم می شود



به نظر بوردیو رابطه میان منش و زمینه به دو صورت عمده عمل می کند. از یک سو، زمینه، منش را مشروط می سازد؛ و از سوی دیگر منش، زمینه را به عنوان چیز معین در که منطق و ارزش دارد و به سرمایه گذاری انرژی می ارزد، می سازد این تحقیق ساختار زمینه، شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و نسل گرفته شده است که در این مقاله به بررسی جایگزینی نسلی و تأثیر آن بر منش و عملکرد روستاییان سبک زندگی با جایگزینی نسلی « پرداخته می شود. فرض اصیل این مقاله این است که جایگزینی نسلی یکی از متغیرهایی است که منجر به تغییری زمینه روستاییان ارتباط دارد شده است که خود با ذوق و عملکرد در ارتباط است. بدین صورت که تحت تأثیر زمینه های مختلف می توان مسیر زندگی افراد یک جامعه را ترسیم کرد.

مفاهیم زمینه، ذوق و عملکرد، از مفاهیم مهم در تئوری بوردیو هستند. به نظر بوردیو با تغییری زمینه، ذوق در جهت هم گامی با آن حرکت می کند که همگامی بین ذوق و زمینه در عملکرد بازتاب می یابد. در مقاله حاضر، فرض بر آن است که یکی از عوامل تغییری، جایگزینی نسلی است که منجر به تغییراتی در زمینه روستای روزی شده است. با تغییری در زمینه، ذوق (ساختارهای ذهنی) روستاییان در هم نوایی با تغییرات در زمینه، حرکت کرده است. در نتیجه، تغییراتی در ذوق (ساختارهای ذهنی) روستاییان به وجود آمده است که بازتاب آنرا می توان در عملکرد روستاییان تغییر در سبک زندگی تغییر در شیوه پوشاکی، تغییر در شیوه بهداشتی، تغییر عادات غذایی، تغییری در شیوه گفتاری، تغییری در الگوی گذران اوقات فراغت مشاهده کرد. طبق تئوری بوردیو به خاطر تجارب متفاوتی که نسل های مختلف از موقعیت و جایگاه خود بر حسب سرمایه های فرهنگی و اقتصادی دارند، با این که همه متعلق به یک میدان می باشند، تفاوت بین آن ها پیدا می شود که نتیجه آن، تغییر میدان اجتماعی است.

از دید گیدنز جامعه امروزی جامعه ای است که در آن سنت دیگر راهنمای عمل قرار نمی گیرد و نمی تواند یک هویت شخصی را برای ما فراهم کند. در نتیجه فرد هر چه بیشتر و بیشتر با پرسش هایی اساسی روبرو می شود که پاسخ از پیش معینی برای آنها ندارد، پرسش هایی از قبیل چگونه زندگی کنم؟ (کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۱۰۴). پیامد این مسئله، رویارو شدن فرد با گستره ی وسیع و پیچیده ای از انتخاب های ممکن است. اما فرد برای گزینش از میان این شقوق مختلف، هیچ دستور کار از پیش معینی در اختیار ندارد. مدرنیته به خاطر ماهیت غیر شالوده ای خود، در امر گزینش هیچ کمکی به فرد نمی کند و مهمترین پیامد این امر اهمیت یافتن سبک زندگی برای فرد عامل است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۹). سبک زندگی از دید گیدنز مجموعه ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که حتی انتخاب یک محیط دلخواه برای ملاقات با دیگران و یا انتخاب افرادی قابل اعتماد برای برقراری یک رابطه صمیمانه را نیز شامل می شود.

این گلهات تغییرات فرهنگی را در پرتو دگرگونی های نسلی تحلیل می کند. وی برای تحلیل تغییرات فرهنگی، دو فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن را مطرح می کند. طبق فرضیه کمیابی، اولویت های افراد بازتابی از محیط اقتصادی- اجتماعی آنها هستند. بر مبنای فرضیه اجتماعی شدن نیز ارزش های اساسی فرد منعکس کننده ی شرایطی است که طی سال های قبل از بلوغش فراهم شده است. در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش های فرامادی می انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش های فردی و نه ارزش های جمعی یک جامعه، به طور ناگهانی و یک شبه تغییر نمی کنند. برعکس، دگرگونی ارزش ها به تدریج و به طور نامرئی روی می دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می آید که نسل جوانتر جایگزین نسل مسن تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می شود (این گلهات،

۱۳۸۲: ۷۶-۷۷). بر طبق نظریه اینگلهارت می توان گفت که عامل اصلی در تغییرات سبک زندگی نیز، نه تغییرات اقتصادی و یا افزایش نسبی رفاه، بلکه جابجایی نسل هاست.

با جمع بندی نظریه های گیدنز، بوردیو و اینگلهارت می توان گفت که: گسترش رسانه های جمعی موجب رواج ارزش ها و هنجارهای جدیدی در جامعه ی مورد مطالعه شده است. رسانه های جمعی، فاصله های زمانی و مکانی را در پرانتز قرار داده و موجب محلی شدن امور جهانی شده اند. نتیجه این امر، آگاهی فزاینده افراد از سبک های مختلف زندگی است. این رسانه ها بیشتر از همه بر نسل جدید تاثیرگذار هستند، چرا که یکی از عوامل اصلی اجتماعی شدن نسل جدید، همین رسانه های جمعی هستند. از طرفی، میزان استفاده نسل جدید از رسانه های ارتباطی جدید بیشتر از نسل های دیگر است. در اثر این فرآیند، تغییراتی در عادتواره های نسل جدید در عرصه های مختلف زندگی ایجاد شده است که منود عینی آن را می توان در جلوه های گوناگون سبک زندگی، از جمله خوراک، پوشاک و گذران اوقات فراغت، مشاهده نمود.

دامنه مفهومی سبک زندگی:

در تعاریف مختلف، ابعاد مختلفی برای سبک زندگی در نظر گرفته شده است. اما در مجموع، می توان ابعاد سبک زندگی را در سه گروه قرار داد:

اول، فعالیت ها شامل کار، سرگرمی، شرکت در رویدادهای اجتماعی، تعطیلات، تفریح، رسیدگی به سلامت جسمانی و بدن، عضویت در باشگاه ها، شرکت در خرید و فروش و اقدامات اجتماعی.

دوم، علایق و دلبستگی ها شامل دلبستگی به فامیل، خانواده، شغل، تفریح، مد، غذا و رسانه های جمعی.

سوم، نظرات و افکار شامل افکار و عقاید افراد نسبت به خویشتن، مشاغل اجتماعی، سیاست، کار، اقتصاد، تعلیم و تربیت، کالاها، آینده و فرهنگ (آتش پور و سلیمانی، ۱۳۸۱: ۴۹).

در تحقیق حاضر، بر اساس مباحث نظری مطرح شده، شش بعد برای سبک زندگی در نظر گرفته ایم و برای هر کدام از آنها نیز مولفه های جزئی تری را تعریف نموده ایم که در جدول زیر قابل مشاهده اند:

روش تحقیق:

منطق روش شناختی حاکم بر این تحقیق، ساخت گرایی تکوینی بوردیو است که عبارت است از شناخت تکوینی در تلفیق با عملگرایی تجربی و دارای سه ویژگی است:

ابعاد سبک زندگی	تعریف مفهومی و عملیاتی
پوشاک	سنتی یا مدرن بودن لباس- استفاده از مد
لهجه و گفتار	تغییر گویش- حذف تعداد قابل ملاحظه ای از کلامت محلی
بهداشت	حمام رفتن- پیرایش سرو صورت

شغل	کاهش شغل دامداری و کشاورزی-افزایش نسبی درآمد نسبت به قبل
خوراک	مواد غذایی- شیوه پخت- شیوه مصرف- شیوه و محل خرید- تولید خانگی یا خرید از فروشگاه
اوقات فراغت	فعالیت های اصلی در زمان های فراغت- ماهیت و هدف فعالیت های فراغتی- ابزارهای مورد استفاده در فعالیت های فراغتی
مسکن	ابزار و مصالح به کار رفته در ساخت مسکن- معماری مسکن- کارکردهای مسکن- مدرن یا سنتی بودن مسکن

چندانکاری روش شناختی(آزادی محقق در به کارگیری هرگونه روش مشاهده و تحقیق که با موضوع سازگاری داشته باشد)، توجه شناختی برابر به امور و عملکرد در تحقیق و بازتابندگی روش شناختی یعنی بازپرسی مداوم درباره روش استفاده شده(کلهون، ۲۰۰۷: ۱۷).

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی میدانی است که در روستای روزی ازتوابع شهرستان ورزقان صورت گرفته است. در تحقیق حاضر از تکنیک های متعددی برای جمع آوری و تحلیل اطلاعات استفاده شده است که مشتملند بر مشاهده، و مصاحبه.

مشاهده خود به دو شیوه صورت گرفته است: مشاهده کامل(تام) و مشاهده مشارکتی. در مشاهده تام، به منظور شناخت اولیه از مناسبات جاری در روستا، محقق محیط روستا و فعالیت های جاری در آنها را مورد مشاهده قرار داده است. از آنجا که محقق خوددربین روستاییان زندگی می کند و کاملاً با آنها آمیخته شده با سبک زندگی آنها آشنایی کامل دارد.

دیگر تکنیک به کار رفته در این تحقیق، مصاحبه است که به شکل مصاحبه باز(سازمان نایافته) اعمال شده است. مصاحبه ها با بزرگان فامیل، سالخورده ها، جوانان و کودکان و نیز افراد ذی نفوذ دیگر مانند معلمان روستا، بهیار خانه بهداشت، اعضای شورا و ... صورت گرفته اند. مصاحبه ها به دو شکل فردی و گروهی انجام شده اند. در جریان مصاحبه با بزرگان و سالخورده ها تلاش شده است اطلاعات مربوط به گذشته و نسل های پیشین جمع آوری شده و از این طریق نیم رخ های تاریخی ترسیم گردند. در تمامی این مراحل و تکنیک ها، به تمامی امور و قایع ریز و درشت توجه یکسان شده و هیچ موردی از سوی پژوهشگر کم اهمیت پنداشته نشده است(ویژگی دوم روش ساخت گرایی تکوینی).

برای تحلیل و پردازش یافته ها، از شیوه تحلیل محتوی استفاده کرده ایم. شیوه مورد استفاده برای تحلیل مصاحبه ها و جمع بندی یافته های مختلف، شیوه استقرایی تکوین مقوله ها بوده است؛ یعنی ابتدا چندین بار تمامی یافته های تحقیق مطالعه شده اند. سپس به دسته بندی و مرتب سازی یافته های مصاحبه ها و مشاهدات در ابعاد مختلف سبک زندگی و در میان نسل های مختلف پرداخته ایم و بعد آنها را به شکل مفهومی و در قالب مبانی نظری تحقیق تدوین نموده ایم.

یافته های تحقیق:

روستای روزی در ۱۵ کیلومتری شهر ورزقان که مرکز شهرستان ورزقان است و در مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه شرقی و ۳۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۸ درجه و ۳۳ دقیقه، واقع شده است. قدمت روستا به حدود ۵۰۰ سال پیش بر می گردد و جمعیت ثابت آن در سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰، ۱۱۰۰ نفر بوده است. روستا در حال حاضر، دارای امکاناتی از قبیل خانه بهداشت، مدرسه، شورای حل اختلاف، مسجد و حسینیه می باشد. شغل اصلی ساکنین روستا کشاورزی است و تقریباً ۷۵ درصد از کل شاغلین روستا به فعالیت های زراعی مشغول می باشند. بقیه هم در شغل های آزاد همچون فرش بافی و کارگری و غیره مشغول هستند.

تغییرات سبک زندگی در این تحقیق، در هشت عرصه پوشاک، خوراک، اوقات فراغت، مسکن، لهجه (گفتار)، بهداشت، شغل و مذهب مورد بررسی قرار گرفته اند. در ادامه تغییرات رخ داده در هر کدام از این عرصه های هشت گانه را مطرح می کنیم.

پوشاک

بحث درباره پوشاک روستا را اینطور شروع می کنیم که نحوه لباس پوشیدن در بین اهالی روستا اعم از زن و مرد، بچه و جوان، میان سال و کهن سال به یک نحو می باشد. به این صورت که در خانه از لباس های راحتی استفاده می کنند ولی وقتی که به بیرون از خانه می روند از لباس های دست دوم و کهنه استفاده می کنند. دلیلش هم این هست که چون اغلب موارد معابر و کوچه ها گلی است، به همین خاطر از لباس های کهنه استفاده می کنند. در بین کهن سالان وضع فرق میکند این نسل از اهالی روستا اغلب موارد از یک دست لباس استفاده میکنند اما در میان سالان و جوانان چندین دست لباس وجود دارد. البته شایان ذکر است که با تلاش شواری محترم روستا و دهیاری کوچه ها اغلب سنگ فرش و جدول کشی شده و معابر تنگ و تاریک هم آسفالت ریزی یا شن ریزی شده که این امر باعث می شود تا معابر و کوچه ها گل آلود نشود.

در روستای روزی دیگر خبری از لباس محلی نیست. همه ی اهالی از بچه گرفته تا تا پیران روستا از لباس های استفاده میکنند که در شهرها می پوشند جوانان روستا که از نسل سوم هستند سعی میکنند از لباس های مد روز که در شهرها استفاده می کنند بپوشند که این امر حاکی از تفکرات نسلی بین جوانان هست. در بین دختران جوان دیگر از دامن خبری نیست اما زنان چه جوان باشد چه میان سال چه پیر وقتی به بیرون از خانه می روند از چادر که به (چرشاب) معروف است استفاده می کند. وضعیت حجاب خوشبختانه در بین زنان جوان نسبت به زنان جوان شهرها از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است. اغلب در مراسمات و اعیاد مذهبی مردم روستا سعی میکنند از لباس های نو استفاده کنند نکته ای که در بحث پوشاک مردم به چشم می خورد نظریه ی بوردیو را کاملاً منعکس میکند. مردم در زمینه های مختلف از خود عملکرد های مختلفی بروز می دهند به این معنی که هیچ وقت یک زن جوان بلباس های معمولی در جشن ها حاضر نمی شود. زمینه های مختلف باعث می شود تا مردم از لباس های مختلف استفاده کنند. در این باره آقای نورعلی دهقانزاده می گوید: من در خانه خودم چندین دست لباس برای موقعیت های مختلف دارم. مثال در بین اهالی روستا از یک نوع لباس در خانه از لباس دیگر در مسافرت و مراسمات از لباس دیگری که دارم استفاده میکنم.

در اثر تغییرات رخ داده، به تدریج لباس های سنتی و قدیمی کنار گذاشته شده و لباس های شهری و مدرن جایگزین آنها شده اند. نسل اول، اعم از زن و مرد، همچنان از لباس های سنتی استفاده می کنند. در میان نسل دوم، پوشاک مردان تغییرات بسیاری را شاهد بوده و بویژه در مراسم های جمعی به جای لباس سنتی از پیراهن و کت و شلوار استفاده می کنند. اما تغییرات نسل سوم شدیدتر و بنیادی تر بوده اند؛ به نحوی که شاهد استفاده از مدل های جدید مانند انواع لباس های جین و اسپرت و نیز استفاده از کراوات در جشن ها هستیم. عطاکشی، پیرمرد ۷۰ ساله ی ساکن روستا در این خصوص می گوید:

اگر بخواهیم در مورد پوشاک صحبت کنیم، پوشاک محلی مردان در سال های اخیر کلاً جای خود را به لباس های مد روز و بازاری داده و ارزش خود را از دست داده است و علت آن عدم کارایی لباس های محلی برای زندگی امروزی است. لباس های شهری ارزانتر از لباس های محلی هستند و به راحتی در دسترس قرار دارند. برای مثال وقتی که من درعنفوان جوانی بودم هروقت که می خواستم پیش پدرم بروم باید سرخود را می پوشاندم و برای این کار از کلاه استفاده می کردیم. یک بار در خانه

نشسته بودم و داشتم استراحت میکردم که یک لحظه پدرم وارد شد و کلاه من هم پیشم نبود مادرم به خاطراینکه پدرم سر من را نبیند زود رورسی اش را به من داد و من آن را به دور رسم پیچاندم. اما باید اذغان داشت که این تغییرات به معنای کنار گذاشتن کامل لباس های سنتی نیست، بویژه در میان زنان استفاده از عناصری از لباس های سنتی هنوز رواج دارد و حتی زنان نسل سوم نیز گاهی شیفته زیبایی پوشاک بومی و سنتی شده و بعضا در جشن ها و مراسم های جمعی (بویژه در جشن عروسی) از آنها استفاده می کنند.

خوراک

در عرصه خوراک، می توان مواردی چون خرید، مصرف و طبخ غذا را مورد بررسی قرار داد و تغییرات رخ داده در آنها را مشاهده نمود. در میان نسل اول، عمل خرید به صورت گسترده جایگاهی نداشته است، زیرا عمده مواد مورد نیاز را خود تولید می نمودند. به عنوان مثال، نان را در خانه می پخته اند و بیشتر از غذاهای سنتی استفاده می کرده اند که مواد اولیه آنها یا گوشت بوده است (که آن نیز خریداری نمی شده بلکه حیوان توسط خود آنها ذبح می گردیده است) و یا انواع سبزی ها و گیاهانی که توسط خود آنها کشت شده و یا از دل طبیعت جمع آوری می گردیده است. سایر اقلام مورد نیاز را نیز از بازارهای محلی می خریده اند. در میان نسل اول، وعده های غذایی اکثرا پنج گانه بوده است، یعنی علاوه بر سه وعده اصلی، دو وعده ی دیگر (یکی بین صبحانه و نهار و دیگری بین نهار و شام) صرف می کرده اند. غذا را بیشتر با دست می خورده اند و استفاده از قاشق جز در مواردی مانند برداشتن خورش یا ماست رایج نبوده است.

در میان نسل دوم، همچنان گوشت و انواع سبزی ها و گیاهان مواد اصلی غذایی را تشکیل می دهند. اما تنوع در پخت آنها بیشتر شده و خورش های متعددی در میان آنها پخته می شود. تولید لبنیات همچنان به صورت خانگی انجام می گیرد اما نان دیگر در منزل پخته نمی شود، جز موارد اندک بلکه از نانواپی خریداری می گردد. خرید عمدتا عملی مردانه است و علاوه بر بازار محلی برای تامین مایحتاج خود به شهر نیز می روند. در میان نسل سوم، مصرف غذای آماده به تدریج رواج یافته و تمایل به آن زیاد شده است و استفاده از غذاهای محلی مانند انواع آش ها و غذاهای گیاهی به عنوان غذای اصلی کمتر به چشم می خورد و از آنها بیشتر به عنوان دسر استفاده می شود. همچنین استفاده از قاشق و چنگال و انواع ظروف چینی و ملامین و ... نیز رواج یافته است. در مجموع، می توان گفت که با حرکت از نسل اول به نسل سوم، رژیم غذایی متحول شده، مواد غذایی تنوع یافته و مصرف مواد پروتئینی افزایش یافته است. رییس شورای روستای روزی در این خصوص می گوید:

همسرم غذاهای سنتی کمتر درست می کند و فرزندانم علاقه ای به خوردن غذاهای محلی ندارند. از زمانی که به روزی برق کشیده شد اعضای روستا اقدام به خرید یخچال کردند و گوشت و برخی سبزیجات را به صورت منجمد مصرف می کنند. و این امر هم باعث شیوع بعضی بیماری ها شده است.

وضع تغییرات خوراک چه در بین سال ها و چه در طول تاریخ وجه در زمینه های مختلف فرق کرده و می کند. در سال های نه چندان دور، اهالی روستا از غذاهایی استفاده می کردند که بیشتر مواد اولیه آنها در خود روستا تامین می شد. برای مثال از آبگوشت (که دارای بیشترین وعده ی غذایی بوده و کماکان در بین نسل اولی ها باز هم بیشترین وعده هست) (کوفته، قورما) گوشت پخته شده ی آماده (و در بین میوه و سبزیجات از آن میوه هایی استفاده می شد که در خود روستا وجود می آمد مانند سیب، گردو، انار، انجیر و ایده... برنج که الان دارای بیشترین وعده ی غذای در روستا هست

(البته نه در اینجا شاید در کل ایران هم است). حداقل در بین سه وعده یک وعده را تشکیل می دهد، در زمان های نه چندان دور و در بین نسل اولی ها، آن طور که مصیب دهقانزاده می گفت فقط در عید یک وعده برنج می خوردیم! و از خوردن آن لذت های زیاد می بردیم و برای رسیدن آن روز، روز شماری می کردیم در زمان حال وضع خوراک سه وعده غذایی به این شرح است: که در صبحانه بیشتر از پنیرهای محلی، شیر، ماست (قیماخ) و تخم مرغ استفاده می کنند. که همه ی اینها در خود روستا به عرضه می رسد در وعده ظهر بیشتر از غذا هایی استفاده می کنند که شاید در شهر های مجاور از آنها استفاده می شود. همچون برنج، آبگوشت، ماکارونی و کوفته... البته بعضی مواقع بین صبحانه و ناهار از یک وعده ی غذایی کوتاه و سبک استفاده میکنند که به آن در زبان محلی (قیلان آلتی) می گویند. برای وعده شام که در بین اهالی روستا کم کم این مورد رواج پیدا کرده که از غذای سبک استفاده کنند که این موضوع هم از تاثیر پذیری از شهرها بوده است. مانند نان، پنیر، ماست، و انواع آش ها... بحث خوراک در زمان حال را بصورت اجمال بحث کردیم. اما در زمینه های مختلف از غذا با مخلفات زیاد یا کم استفاده می کنند. برای مثال وقتی کسی مهمان یا کارگر داشته باشد، دیگر از همان غذا هایی که سایر وقتها خودشان صرف می کردند، استفاده نمی کنند. در این گونه موارد بیشتر از برنج با مخلفات زیاد استفاده می کنند، به خاطر اطلاع بحث از توضیح این موارد صرف نظر می گردد. این تغییرات رخ داده ناشی از رفت و آمد روستاییان به شهر ها و استفاده از رسانه های جمعی بوده است.

اوقات فراغت

اوقات فراغت نیز از تغییر مصون نبوده است. در مورد نسل اول می توان گفت که میان کار و فراغت تمایز روشنی دیده نمی شود. مردان در اوقاتی که از امور کشاورزی یا دامپروری فارغ بودند به شکار (بز کوهی و کبک)، ماهیگیری و حجاری می پرداختند. این فعالیت ها به جز جنبه فراغتی کارکردهای دیگری هم داشته اند که مهم ترین آنها تامین بخشی از مایحتاج خانوار (از جمله گوشت) بوده است. امروزه نیز مردان نسل سوم اوقات فراغت خود را با گردهم آیی ها و گپ زدن های روزانه با خویشان و همسایگان، انجام بازیهای ورزشی همچون فوتبال و والیبال و شرکت در مراسم های مذهبی و مهمتر از همه بازیهای رایانه ای و اینترنت بخصوص شبکه های اجتماعی از جمله تلگرام و لاین و غیره پر می کنند. زنان نسل اول نیز عمدتاً با پختن غذا و نذورات جهت مراسم مذهبی و گپ زدن های روزانه با همسایگان اوقات فراغت خود را می گذرانند. در واقع می توان گفت که در اوقات فراغت نسل اول، نوعی تفکیک و تقسیم کار جنسیتی به چشم می خورد. لازم به ذکر هست که شبکه های اجتماعی آن گستردگی و نفوذی که در بین پسران دارد در بین دختران رایج نیست. دلیلش هم برمیگردد به تعصب و توجه خاصی که والدین خانواده بر روی دختران دارند. بحث درباره تاثیر شبکه های اجتماعی بر روی جوانان روستا فرصت و مجال بیشتری را می طلبد که از حوضه این مبحث جداست.

نسل دوم مردان، عمده اوقات فراغت خود را به شرکت در مراسم های مذهبی، جمع شدن در یک محل بخصوصی که به قریب قاپسی معروف هست گوش دادن به رادیو و تماشای اخبار و برنامه های ورزشی از تلویزیون اختصاص می دهند. بخشی از فعالیت های اوقات فراغت زنان نسل دوم همان فعالیت هایی است که زنان نسل اول انجام می دهند، یعنی تدارک کارهای مربوط به پختن غذا و نذورات جهت مراسم مذهبی و گپ زدن های روزانه. اما بخشی دیگر از فعالیت های آنها به تولید صنایع دستی از جمله فرش بافی اختصاص دارد. در اینجا، تمایز میان کار و اوقات فراغت تا حدودی رنگ می بازد؛ چرا که این صنایع

دستی هرچند در زمان فراغت از سایر امور صورت می گیرند، اما یا با هدف فروش و یا با هدف تامین نیازهای خانوار انجام می پذیرند.

اما الگوی گذران اوقات فراغت نسل سوم به میزان زیادی با نسل اول و دوم متفاوت است. اصلی ترین مشخصه ی اوقات فراغت نسل سوم استفاده ی گسترده از تکنولوژی های جدید و رسانه ای است؛ به نحوی که تماشای تلویزیون، استفاده از کامپیوتر و بازی های گوشی حضور در شبکه های مجازی گوش دادن به موسیقی بخش عمده ای از اوقات فراغت نسل سوم را پر می کند و این امر در خصوص هر دو جنس مصداق دارد. فعالیت های ورزشی (از جمله بازی والیبال و فوتبال) از دیگر فعالیت های فراغتی مردان نسل سوم است که البته در میان نسل دوم نیز مشاهده می شوند. در مقابل، زنان نسل سوم بخشی از اوقات فراغت خود را به معاشرت با دوستان اختصاص می دهند. در میان نسل سوم، بر خلاف دو نسل دیگر، تمایز میان کار و فراغت پررنگ است اما در اینجا تمایز دیگری کمرنگ شده است و آن هم تمایز میان فراغت و آموزش می باشد. به عبارتی، در نسل سوم بسیاری از فعالیت های فراغتی (مثل استفاده از کامپیوتر) جنبه آموزشی نیز دارند. خانم علیپور زنی ۳۷ ساله و دارای دو فرزند، در این زمینه می گوید:

الان ادامه تحصیل برای بچه ها واجب است. علاوه بر درس خواندن باید به زبان انگلیسی نیز مسلط شده و در علم کامپیوتر نیز مهارت داشته باشند. من دخترم را به کلاس کامپیوتر در ورزشان می فرستم و در خانه نیز کامپیوتر هست که با آن کار می کند.

اوقات فراغت در بین اهالی روستا در میان نسل های مختلف متفاوت است. همچنین در چنددهه تفاوت زیادی به خود دیده است. در زمانهای دور همانطور که کربلای عنایت عزیزی ۶۳ ساله می گوید: وقتی بچه بودیم بازیهایی که امروز انجام میدهند وجود نداشت. ما دور هم جمع می شدیم و برای مدت زیادی انواع بازی می انجام می دادیم از جمله ال بندی - گوز قیام یا گوز قی دی، قییش - قاچیددی - پل دسته (همه ی این نامهای محلی به زبان ترکی است) البته جوانان و میانسالان در بازیها با ما همراهی می کردند. امروزه وضع فرق کرده است. آن بازیهای قدیمی در بین بچه ها جوانان دیگر جای ندارد. الان بازی فوتبال و والیبال و فوتبال دستی رواج زیاد پیدا کرده است. البته لازم به ذکر است که در شهرهای بزرگ که بحران بازیهای تلفن همراه و شبکه های اجتماعی امری رایج شده، در روستای روزی هم این اتفاق کم کم در شرف افتادن است. تعداد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان و جوانان (و البته تعداد کمی از میانسالان) در شبکه های اجتماعی حضور فعال دارند. نگارنده در چندین گروه تلگرام که در روستا وجود دارد حضور پیدا کرده واز نزدیک مشاهده کرده است. پیدایش این چنین تفکر در جوانان امری بس خطرناک است که امید است که با فرهنگ سازی خوب در مدارس و خانواده ها از این تفکر (حضور در شبکه های اجتماعی) جلوگیری به عمل بیاید. مدت زمان اوقات فراغت در هر نقطه و مکانی حاکی از شاغل بودن یا نبودن افراد آن منطقه است. برای مثال تعداد قابل توجهی از جوانان (تقریباً ۱۴ نفر) به مدت طولانی به بازی والیبال در طول روز مشغول می شوند. البته به اندازه همین تعداد و شاید هم بیشتر از آن به بازی فوتبال می پردازند این موضوع مارا به این مطلب می کشاند که تعداد قابل توجهی از جوانان یا بیکار دائمی هستند یا یا شغل فصلی دارند. امید است این موضوع توسط مسئولان منطقه رسیدگی شود موضوع بیکاری در روستایی روزی خیلی حاد است. برای حل این مشکل پیشنهاد نگارنده این است که همانند شهرها که مسئولانی در هر زمینه وجود دارد در روستا هم وجود داشته باشد تا برای رسیدگی این مشکلات چاره سازی کنند.

همچنین ماهیت و هدف فعالیت های اوقات فراغت نیز تغییر یافته است؛ در میان نسل اول، فعالیت های اوقات فراغت در زمان کودکی و نوجوانی با هدف تحرک بدنی و تقویت قوای جسمانی و شجاعت صورت می گرفته است اما در میان نسل سوم جنبه های آموزشی و تفریحی بیشتر مد نظر قرار دارند.

مسکن

موضوع مسکن و تغییرات آن شاید از دو موضوع قبلی مهمتر باشد چرا که وضع مسکن در طی دو سه دهه ی اخیر تغییرات قابل ملاحظه ی به خود دیده است تقریباً سی سال پیش هیچ خانه ای از آجر و سیمان وجود نداشت و همه ی آنها از گل و سنگ ساخته شده بودند. وضع ظاهری و درونی خانه ها تقریباً همگی به یک شکل بودند مثال در خانه ها یک حیاط کوچک بود که در و پنجره ی همه ی آنها از چوب ساخته شده بودند چه در حیاط چه در خانه اغلب خانه دارای دالان بود. داخل خانه ها دیگر اتاق وجود نداشت. اغلب طویله ها از داخل خانه می گذاشتند و دلیلش هم عدم امنیت کافی بود. همین امر به نوبه ی خود وضع بهداشت را بسیار پایین آورده بود و انواع بیماری مرتبط با آن بوجود می آمد. در همه ی خانه ها یک یا چند طاقچه بود که داخل آنها وسایل به خصوص چراغ های نفتی و گازی می گذاشتند اندرون خانه ها اغلب یک یا دو ستون چوبی داشت. چون خانه ها از گل و چوب ساخته می شد به تبع آن حیوانات موزی از جمله موش هم در داخل خانه زیاد بود. همه ی خانه ها دارای کاهدان و انبار و تنور بود که همه آنها در داخل حیاط بود. اکثر خانه ها در یک طبقه بودند. با گذشت زمان و پیشرفت علم تکنولوژی و بخصوص بهبود جاده ها و رفت و آمد روستاییان به شهر و همچنین استفاده از رسانه جمعی بخصوص تلویزیون باعث شد تا وضع بیرونی و درونی خانه ها تقریباً به شکل خانه های شهری بیاید. در همین زمان که در حال نگارش این مقاله هستم، تقریباً همه ی خانه از آجر و گچ و سیمان ساخته شده اند و به ندرت خانه های گلی پیدا می شود که آن هم در مرکز روستا وجود دارد. تغییرات در وضع بیرونی خانه به این شرح است "در و پنجره خانه همگی یا از آهن است یا از جنس آلومینیم (بجز از در های داخل اتاق که از چوبی است) همه ی حیاط دیوار کشی از جنس آجر یا بلوک است. توالی های خانه ها اغلب در حیاط است ولی بعضی از خانه های جدید از دست شویی های داخل منزل استفاده می کنند. تقریباً همه تنور ها به خاطر وجود نانوایی در روستا حذف شده است. طویله ها و کاهدان ها از داخل حیاط به بیرون حیاط منتقل داده شده اند. کمتر از خانه های دو طبقه ای استفاده می کنند. از لحاظ وضع درون خانه هم، همه ی خانه ها از یک حال و پذیرایی و آشپزخانه و صندوق خانه تشکیل می شود که همگی آنها حاکی از تقلید صرف روستاییان از شهر است. هنوز تعداد انگشت شماری از خانه ها دارای مبلمان هست. متراژ خانه ها اغلب بیشتر از ۸۰ متر است. بعضی از خانه ها متراژ زیر بنای شان به ۲۰۰ متر هم می رسد. تمامی خانه ها دارای لوله کشی گاز هست. یک موضوع مهم در تغییرات مسکن روستای روزی وجود زلزله مرداد ماه ۹۱ می باشد که در آن زلزله اغلب خانه ها آسیب دیدند و همین امر باعث شد که بافت روستا عوض شود. تقریباً ۱۶۰ خانه جدید با طرح مسکن با متراژ ۶۴ متر بنا شدند که همین امر باعث تغییرات جدیدی در بافت روستا شد.

در کل، می توان گفت که اصلی ترین تغییر در مسکن نسل سوم نسبت به نسل های پیشین جدا شدن کارکردهاست؛ به این معنی که در مسکن نسل اول - و تا حدودی نسل دوم - متایز دقیقی میان مسکن و سایر بخش های زندگی وجود نداشت. به عبارتی، مسکن کلیت یکپارچه ای بود که همزمان پناهگاه، استراحتگاه و کارگاه تولیدی (نگهداری از احشام و محصولات کشاورزی) را تداعی می کرد. این یکپارچگی هم معلول یکپارچگی، کلیت و انسجام سبک زندگی روستایی و هم منادی از آن بود. اما در نسل سوم، تفکیک مشخصی میان این حوزه های مختلف شکل گرفته و مسکن صرفاً به منزله پناهگاه و استراحتگاه

نگریسته می شود. اما در نسل سوم، کارکرد جدیدی نیز برای مسکن متصور گردیده است و آن نیز عبارت است از تعیین و حفظ حریم خصوصی. این کارکرد خود نتیجه تغییرات ارزشی و فرهنگی بوجود آمده در سال های اخیر است. در مسکن نسل اول، بخشی به نام ایوان وجود داشت که فضایی روباز و برای همگان رویت پذیر بود. اما در سال های پس از انقلاب و تاکید بر ارزش هایی چون حجاب و محفوظ ماندن از نگاه نامحرم، ایوان و فضای باز از خانه ها حذف شده و خانه به مثابه مکانی نگریسته می شود که حریم خصوصی را حفظ نموده و ساکنانش را برای دیگران رویت ناپذیر می سازد. البته با کاهش افراد نسل اول (مرگ آنها) دیگرخانه های گلی مورد استفاده قرار نمی گیرند و اکثرا تخریب شده به جای آنها خانه های آجری بنا می شود.

بهداشت

یکی از مهمترین مسائلی که همواره فکر بشر را از قدیمترین زمانهای تاریخی به خود مشغول داشته است حفظ تندرستی و رهایی از درد ورنج بیماریها بوده است. با پیشرفت دانش رفته رفته عوامل بیماریزا شناخته شدند و تاثیر آنها بر تندرستی آشکار گردید و بشر آموخت که باید در محیط پاکیزه و سالم زندگی کند، آلودگیها را از خود و محیط پاک سازد و از آنچه تندرستی او را به خطر می اندازد بپرهیزد. بهداشت محیط عبارت است از کنترل عوامل از محیط زندگی که به گونه ای روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تاثیر می گذارند. بهسازی محیط در حقیقت بخشی از فعالیتهای بهداشت محیط را شامل می شود که مربوط است به کنترل آندسته از عوامل فیزیکی که به رشد، تکامل، تندرستی و بقای انسانها اثر می گذارند. بهسازی منابع آب، دفع صحیح زباله و فضولات حیوانی، احداث و بهسازی توالی بهداشتی، بهسازی مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی و اماکن عمومی از جمله اقدامات مؤثر در بهسازی محیط است.

وضعیت بهداشت در چند سال اخیر تغییر قابل توجهی در روستا داشته بخصوص از زمانی که خانه بهداشت در روستا دایر گردیده و مردم بخصوص زنان به طور مرتب به آنجا می روند و به مشکلات جسمی و روحی خود رسیدگی می کنند. بهبود بهداشت در بین مردم از زمانی که رشوع شد با پیشرفت تکنولوژی و علم و رسانه های جمعی بهبود شرایط حمل نقل همزمان گردید. گسترش آموزش بهداشت چه از لحاظ خواراک پوشاک و مسکن و چه وضع ظاهری مردم تغییر قابل توجهی پیدا کرد. کسانی که ریش می گذارند انگشت شمار است دیگر طویله در داخل خانه ها نیست و فضولات حیوان را خارج از محوطه ی روستا انتقال می دهند. با آمدن آب لوله کشی شده به روستا مردم مرتب به حمام میروند و لباس های خود را میشویند. با ورود رسانه های جمعی به خانه ها و افزایش و به مد شدن لباس ها مردم از یک دست لباس استفاده نمی کنند بلکه از چندین دست لباس استفاده می کنند که این امر باعث بهبود بهداشت در بین اهالی گردیده با قنات کشی کردن کوچه و معابر و شن ریزی و جدول کشی شدن کوچه ها دیگر گل آلود نبوده این باز به بهبود بهداشت عمومی کمک می کند. در زمان های نه چندان دور شپش و کک در بین اهالی روستا زیاد به چشم می خورد که با رعایت کامل بهداشت عمومی خوشبختانه دیگر کاملاً از بین رفته است. با داشتن یک پیرایشگاه مردانه و البته چندین آرایشگاه زنانه در روستا دیگر مشکل اصلاح مو و سر و صورت به طور کامل حل شده است. چون قبل از آمدن این موارد مردم بایستی به شهرستان و رزقان مراجع می کردند. آقای جبرئیلی می گوید: زمانی که ما بچه بودیم و می خواستیم سر خود را اصلاح کنیم چون در روستا سلمانی (پیرایشگاه) وجود نداشت و مجبور بودیم به شهر های اطراف برویم و چون راه های ارتباطی و ماشین برای رفتن وجود نداشت این امر باعث می شود تا موهای سرمان زیاد باشد. البته در روستای همجوار یک نفر بود که از هراز گاهی به روستا سر می زد و سر های بچه ها و جوانان را مردان را اصلاح می کرد.

شغل

شغل در روستای روزی شاید تنها موردی باشد که ماهیتش چندان تغییری پیدا نکرده است. همانطور که می دانیم مردم روستا را اغلب با شغل دامداری و کشاورزی می شناسند. روستای روزی هم از این امر مستثنی نیست و اغلب اهالی آن کشاورز و دامدار هستند. روستای ما نزدیک به ۹۶۰۰۰ (معیار اندازه گیری اراضی روستاییان در زبان ترکی) زمین کشاورزی دارد و بیشتر دیم هستند. در روی آن زمین ها بیشتر گندم و جو و عدس و یونجه ی دیمی می کارند. باغداری در روستای ما به دلیل کمبود شدید آب رایج نیست به جز چند باغ سیب که هر از گاهی به بار می نشیند. کار بر روی زمین های کشاورزی برخلاف گذشته بیشتر مکانیزه هست. یعنی با دست انجام نمی دهند بلکه از تراکتور و سایر وسایل های کشاورزی استفاده می کنند. درآمد حاصل از شغل کشاورزی به دلیل دیم بودن آن خیلی اندک هست. به همین دلیل در کنار کشاورزی به دامداری هم می پردازند. اکثر احشام روستاییان گاو، گوسفند و بز هست که باز به خاطر کمبود مراتع، زیاد مقرون به صرفه نیست. علاوه بر شغل کشاورزی زنان به قالیبافی مشغول هستند که در بعضی موارد همسرشان هم به آنها کمک می کند. عده ای هم در روستا به کارهای یدی و کارگری در روستا می پردازند در مجموع درآمد کل روستاییان خیلی پایین هست. روستای روزی علی رغم وسعت زیاد از روستاهای محروم شهرستان ورزقان محسوب می شود. دلیل اصلی آن هم کمبود شدید منابع آبی هست. آقای سلطانزاده ۵۵ ساله در این باره می گوید: شغل من کشاورزی و دامداری هست و برای گذران اوقات زندگی مجبورم روی زمین کار کنم. گندم و جو بکارم. برای همین کار ابتدا باید گندم و جو بخرم سپس به دلیل کمبود زمین های خودم، می بایست زمین هایی را اجاره کنم. علاوه بر اینها باید برای کود شیمیایی، شخم زدن زمین، درو کردن و برداشت آن پول بدم. و اگر روی همرفته این خرج ها حساب شود شاید تراز منفی با درآمد داشته باشم.

گفتار و لهجه

موضوع لهجه و گفتار و تغییرات مرتبط با آن کمی پیچیده به نظر می رسد. دلیلش هم آن است که زبان روستای روزی ترکی است. و تغییرات صورت گرفته در آن طی سالیان نه چندان دور مربوط به ورود تکنولوژی به روستا و به تبع آن ورود تلویزیون به داخل خانه ها و همچنین معاشرت با شهرنشینان که نتیجه بهبود حمل و نقل بود، صورت گرفت. واژه های زیادی حذف شد، تعدادی جرح و تعدیل گشت و بعضی به معادل فارسی برگردانده شد. مثال واژه هایی مانند چوست (کفش) به باشامخ، میشو (گونی) به تلیس، چرقد به چادر، مکتب خانه به مدرسه و چندین و چندین واژه دیگر تبدیل یا حذف گردیدند. واژه های دیگری همچون لامپا، تومان، چوبوغ آلتی، قیلن آلتی، ماوال و کم کم در حال حذف شدن هستند. همه اینها حاکی از نفوذ فرهنگ شهرنشینی به داخل روستاهاست که باعث تغییر واژه ها و البته لهجه روستا گردیده است. با ورود تکنولوژی های جدید همچون موبایل های لمسی با فناوری بالا بعضی از واژه های انگلیسی هم وارد زبان روزمره مردم بخصوص جوانان شده است. مانند لایک، تنکیو، قود بای و غیره. اگر موضوع به همین منوال پیش برود در آینده نه چندان دور، شاهد مرگ و افول تعداد قابل توجهی از واژه های ترکی و محلی خواهیم بود. و همین امر باعث تشکیک هویت خواهد شد. لازم به ذکر هست که در روستای روزی و ماندگی فرهنگی به چشم می خورد. یعنی اینکه بخش مادی و تکنولوژی روستا پیشرفت کرده اما بخش فرهنگ و اعتقادات چندان رشد نکرده است. و همین امر باعث اختلال در بین نسل ها منجر شده است. در همین راستا آقای هادی علیپور

جوان ۲۰ ساله روستایی گوید: در خانه ما کلمات استفاده شده بین نسل ها با هم تفاوت های زیادی دارد. مثال مادر تماما از واژه های ترکی استفاده می کند، برادر بزرگم هم از واژه های ترکی هم از کلمات فارسی است، برادر بزرگم هم از کلمات فارسی هم از کلمات ترکی استفاده می کند، اما ما که از نسل جدید هستیم بیشتر واژه های مورد استفاده فارسی یا شبیه به فارسی است. که این امر حاکی از نابودی زبان محلی و ترکی در روستای روزی است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

تغییر اصلی ترین مشخصه زندگی اجتماعی در دنیای امروز است. اما وجه تمایز این تغییر نسبت به گذشته این است که هم شتاب بیشتری گرفته است و هم حوزه های بیشتری از زندگی را در بر گرفته است. سبک زندگی از حوزه هایی است که با پیشرفت های تکنولوژیکی و گسترش ارتباطات در معرض تغییرات اساسی و شتابان قرار گرفته است. جامعه ی مورد بررسی این تحقیق - روستای روزی - نیز از این تغییرات مصون نبوده است؛ به نحوی که یافته های تحقیق نشان می دهند که: تجربه ی اجتماعی شدن متفاوت نسل سوم که رسانه های جمعی عامل اصلی آن به شمار می روند - و نیز تا حدودی باز اجتماعی شدن نسل دوم - موجب بروز تفاوت هایی در عملکرد آنها نسبت به نسل اول شده است. در پرتو این تفاوت ها، عادت واره های متفاوتی در نسل سوم شکل گرفته و بعضا اختلافات گسترده ای بین نسل اولی ها و سومی ها اتفاق می افتد که نمود آن در تاکید بر تحصیلات و سرمایه فرهنگی و رفتارهای مصرفی نمایان است.

ابعاد سبک زندگی در عرصه های خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مسکن، بهداشت، گفتار، شغل و مذهب تغییرات آنها در میان سه نسل مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نشان می دهند که: با تغییر نسل، الگوهای پوشاک نیز تغییر یافته است؛ به نحوی که لباس های سنتی در میان نسل اول از محبوبیت خاصی برخوردار بوده و همچنان مورد استفاده است. در میان نسل دوم، الگوی پوشاک ماهیتی التقاطی یافته و همزمان عناصری از الگوهای سنتی و جدید شهری در آنها دیده می شود. اما اصلی ترین قاعده ی حاکم بر الگوی پوشاک نسل سوم پیروی از مد می باشد. در زمینه خوراک نیز ذائقه نسل سوم متفاوت از دو نسل دیگر است. نسل سوم بیشتر به مصرف غذاهای آماده تمایل داشته و از غذاهای سنتی به صورت تفننی و یا به عنوان مکمل غذاهای دیگر استفاده می کنند. در کل، مشخصه ی اصلی سیر حرکت از نسل اول به نسل سوم، تنوع یافتن غذاهاست.

در زمینه اوقات فراغت، استفاده از تلویزیون وجه مشترک هر سه نسل می باشد. اما در مجموع تفاوت هایی نیز میان آنها دیده می شود؛ نسل اول و دوم فعالیت های فراغتی خود را بیشتر به صورت سنتی سپری می کنند. اما در گذران اوقات فراغت نسل سوم تکنولوژی های جدید از جایگاه خاصی برخوردارند. در میان نسل اول و دوم، متایز دقیقی میان کار و فراغت دیده نمی شود و بسیاری از فعالیت های فراغتی جنبه های اقتصادی نیز دارند. اما در میان نسل سوم، تمایز میان فراغت و آموزش از بین رفته است و این مسئله تا حدود زیادی ناشی از ماهیت تکنولوژی های جدید است که همزمان دارای کارکردهای فراغتی و آموزشی هستند. در عرصه مسکن نیز شاهد استفاده از مصالح جدید و معماری مدرن در ساخت خانه، تفکیک کارکردهای مسکن و مطرح شدن حریم خصوصی و رویت نشدن دیگران هستیم.

درزمینه بهداشت شاهد این بودیم که درطول تقریباً سه دهه وضع بهداشت روستا پیشرفت قابل توجهی داشته و خیلی از بیماری ها به خاطر رعایت بهداشت توسط اهالی روستا رخت بر بسته اند. و نسل سومی ها توجه بیشتری نسبت به سایر نسل ها به وضع بهداشت خود دارند.

درعرصه شغل شاهد این بودیم که نسل جوان شغل متفاوتی از شغل های روستا برای خود برمی گزینند. مردم درآمد کمتری دارند و همین باعث مهاجرت بعضی از جوانان به شهرها می شود. درباره وضع گفتار و تغییر لهجه اهالی روستا مطالبی آورده شد. و گفته شد که مردم درزمینه های مختلف از گفتارها و لهجه های خاصی استفاده می کنند و از نظریه تمایز بورديو بهره بردیم. در مجموع، مصاحبه های صورت گرفته و مشاهدات میدانی موید این مسئله هستند که مسیر تغییرات سبک زندگی به سمتی است که تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی را افزایش می دهد. در نتیجه، در سبک زندگی امروز روستائیان کالاهایی مصرف می شوند که بعضاً بیش از آنکه ضرورت کارکردی داشته باشند، ضرورت تزئینی و تجملی دارند. این تفاوت ها در میان نسل های مختلف وضوح زیادی دارند. به عبارتی، می توان گفت که جایگزینی نسلی نقش مهمی در تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی روستایی ایفا می کند. هرچند شواهدی از بروز شکاف نسلی در اثر این تغییرات در جامعه ی مورد مطالعه دیده نشده است و آنچه به چشم می خورد بیشتر تفاوت نسلی است.

فهرست منابع

- بورديو، پی.یر (۱۳۹۰) تمایز
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحولات فرهنگی در جوامع صنعتی
- ارجمند، اسحق و معصومه حیدری زرگوش (۱۳۹۰) تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر سبک زندگی روستایی
- ازکیا، مصطفی و سکینه حسینی رودبارکی (۱۳۸۹) تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی
- جرج ریتزر (۱۳۷۴) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر
- صفری شالی رضا (۱۳۵۵) طرح تدوین تحقیق